

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

چرا شیعه ام؟

حمیدرضا شاکرین



راه آفتاب

شیعیان و مؤمنان حقیقی را کسانی می دانست که به یکی بودن خدا اقرار کنند و به این امور ایمان داشته باشند: معراج، پرسش در قبر، حوض کوثر، شفاعت، آفریده شدن بهشت و دوزخ و صراط، روز قیامت، وجود میزان در روز قیامت، زنده شدن دوباره، پاداش و حسابرسی.

محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، صفات الشیعة، ص ۵۱.



آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات ارتباطات الکترونیکی

؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟

فهرست

۹	درآمد
۱۱	فصل اول: اسلام حقیقی
۱۳	۱. شاخص های اسلام حقیقی در قرآن
۱۳	الف) پیروی از خدا و پیامبر ﷺ
۱۴	ب) مرجعیت نهایی خدا و پیامبر ﷺ
۱۴	ج) اطاعت از پیامبر ﷺ برابر با اطاعت از خدا
۱۴	د) بنیاد وحیانی سخن پیامبر ﷺ
۱۶	۲. اصل راهبردی پیامبر ﷺ
۱۸	الف) گرانبها بودن اهل بیت ﷺ
۱۸	ب) عصمت اهل بیت ﷺ
۲۱	ج) پابندگی تا قیامت
۲۲	د) لزوم پیروی از تقلین
۲۳	۳. کیستی اهل بیت و اولی الامر ﷺ
۲۷	۴. تشیع چیست؟
۳۱	فصل دوم: امتیازات تشیع
۳۳	۱. سنجه های حقانیت مذهب



؟

نام اثر: چرا شیعه ام؟

نویسنده: حمیدرضا شاکرین

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

به سفارش: اداره پاسخگویی به سؤالات دینی آستان قدس رضوی

چاپ: ۱۳۹۶ شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

ناشر: انتشارات قدس رضوی شابک:

به کوشش: محمدحسین پورامینی

مدیر هنری: مریم سادات منصوری

ویراستار: عظیم قهرمانلو

نشانی: مشهد مقدس، حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخگویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۳۵۳۱۲ شماره: ۰۵۱-۳۲۲۴۰۶۰۲

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۲۰۲۰

پست الکترونیک: rahnama.eq@gmail.com

چرا شیعه‌ام؟

برای جویندگان حقیقت همیشه پرسش‌هایی از این دست مطرح بوده است:

• قرآن کریم، اسلام حقیقی و ملاک مسلمان بودن را چه می‌داند؟

• پیامبر اسلام ﷺ چه راه اطمینان‌بخشی برای رستگاری و سعادت به امت معرفی کرده است؟

• با چه معیارها و سنجه‌هایی می‌توان راه درست را شناخت و در میان فرقه‌های گوناگون، بهترین و اصیل‌ترین آنها را انتخاب کرد؟

• براساس ملاک‌های حقانیت، تشیع بر دیگر مذاهب و فرقه‌ها چه امتیاز و برتری دارد؟

۳۵	۲. اصالت در خاستگاه
۳۷	۳. قوت استنادپذیری
۳۸	الف) دلایل قرآنی
۳۸	ب) دلایل روایی
۴۰	ج) دلایل عقلی
۴۱	۴. مصونیت‌پذیری حداکثری
۴۴	۵. انسجام درونی
۴۵	۶. عقلانیت
۴۸	۷. پرسش‌پذیری و پاسخ‌گویی

درآمد

دین و مذهب حق الهی اساسی‌ترین راه سعادت و رستگاری بشر است. از طرف دیگر پس از هر پیامبری اختلافات، گرایش‌ها، فرقه‌ها و مسلک‌های گوناگونی رخ نموده که از نظر میزان اصالت و هماهنگی با حقیقت دین و آنچه پیامبر الهی به ارمغان آورده و تضمین سعادت و رستگاری پیروانشان یکسان نیستند. این مسئله در تاریخ اسلام نیز رخ نموده و هم‌اکنون یکی از پرسش‌های پیشرو برای هر مسلمان این است که با فرقه‌ها و مذاهب مختلف پدید آمده در جهان اسلام چه باید کرد؟ آیا می‌توان به حقانیت مساوی و مطلق هر یک از مذاهب موجود فتوا داد؟ یا چنین نبوده و صراط مستقیم و مصباح کامل هدایت تنها در یکی از گرایش‌ها موجود است و دیگر مذاهب در رتبه فروتری قرار دارند؟ اگر چنین است چگونه می‌توان آن را در میان راه‌ها و مسلک‌های گوناگون بازشناخت؟ اگر این راه تشیع یا همان مذهب اهل بیت علیهم‌السلام است چگونه می‌توان حقانیت



و برتری آن را اثبات کرد؟

اکنون برآنیم تا به یاری خداوند این مسئله را بکاویم. پیشاپیش باید توجه داشت که بررسی جامع و همه جانبه این مسئله بالغ بر ده ها جلد کتاب خواهد شد. آنچه در این مختصر می آید نیم نگاهی گذرا و فشرده است. در این باره نکاتی مقدماتی تقدیم می گردد. سپس به بررسی ماهیت تشیع، خاستگاه آن، پاره ای از مستندات دینی و امتیازات آن در برابر دیگر فرقه ها خواهیم پرداخت.

برای روشن شدن چرایی تشیع یا هر مذهب و فرقه دیگر باید دید اساساً ملاک اسلام یا مسلمان حقیقی بودن چیست؛ زیرا مسئله اصلی در مورد هر مذهب و مسلکی این است که به بهترین شکلی واقعیت اسلام و عدم انحراف از آموزه‌های قرآن و پیامبر ﷺ را در خود حفظ کنند. این مسئله در مبحث بعدی از منظر قرآن مرور خواهد شد.

۱. شاخص‌های اسلام حقیقی در قرآن

قرآن مجید، اسلام راستین را در اطاعت بی‌چون و چرا از خداوند، تعالیم الهی پیامبر ﷺ و اولی الامر علیهم السلام می‌داند. بعضی از آیات قرآن در این باره با توجه به برخی جوانب و لوازم آن در ذیل بیان می‌شود.

الف) پیروی از خدا و پیامبر ﷺ

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای مؤمنان، خدا و پیامبر و اولی الامر از میان خود را



فرمان برید»^۱.

ب) مرجعیت نهایی خدا و پیامبر ﷺ

«... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ: پس اگر در چیزی اختلاف کردید، آن را به خدا و پیامبر عرضه کنید»^۲.

ج) اطاعت از پیامبر ﷺ برابر با اطاعت از خدا

«مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ: هر کس پیامبر را اطاعت کند، همانا خدا را فرمان برده است»^۳.

د) بنیاد وحیانی سخن پیامبر ﷺ

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ. إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى: و او [پیامبر] از خود سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید همه وحی است که بر او فرورفته شده است»^۴.

اطلاق آیات یادشده و هم‌سنگ بودن اطاعت خدا و پیامبر ﷺ، به علاوه خاتمیت آیین آن حضرت، هر یک به تنهایی دلالت بر جاودانگی و همیشگی بودن لزوم اطاعت از پیامبر ﷺ دارد.

بنابراین همان‌گونه که مسلمانان در زمان حیات پیامبر ﷺ به پیروی از فرامین ایشان موظف بوده‌اند، پس از رحلت آن حضرت نیز باید مسیر خود را دقیقاً بر اساس آنچه ایشان ترسیم کرده و به آن راهنمایی و سفارش فرموده است، تنظیم کنند.

افزون بر آن، این مسئله خودنمایی می‌کند که اولی‌الأمر مطرح شده در آیه نخست، کیست و چگونه می‌توان او را شناخت؟ به‌ویژه آنکه اطاعت از اولی‌الأمر، هم‌سنگ با اطاعت از خدا و رسول خدا آمده است و قطعاً باید کسی باشد که پیروی از او هیچ تفاوتی با پیروی از خدا و رسول خدا ندارد و تضمین‌کننده سعادت و رستگاری امت است.

پیامبر اعظم ﷺ با بیان یک اصل راهبردی، یعنی اصل پیروی از تقلین، اولی‌الأمر را معرفی کرده است. این مسئله در مبحث بعد بررسی خواهد شد.

۱. محمد: ۳۳، نیز رک: نساء: ۵۹ / تغابن: ۱۲ / مائده: ۹۲ / آل عمران: ۳۲ / انفال: ۲۰، ۲۴ و ۲۷ / حجرات: ۱.
۲. نساء: ۵۹.
۳. نساء: ۸۰.
۴. نجم: ۳۰.

۲. اصل راهبردی پیامبر ﷺ

پیامبر اعظم ﷺ همواره در طول حیات شریف خویش نسبت به آینده امت و چگونگی استمرار حیات دینی آنان اهتمام ورزیده، به شکل‌های گوناگون درباره آن سخن گفته است. راهبرد اساسی تعیین‌شده به وسیله آن حضرت که آشکارا و به دفعات از آن سخن گفته شده است و همه فرق اسلامی در معتبرترین کتب روایی خود آن را نقل کرده‌اند «راهبرد پیروی از ثقلین» یعنی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. تأکیدات آن حضرت و نوع سخن گفتن در این باره به گونه‌ای است که کمترین تردیدی بر کسی باقی نمی‌گذارد. با توجه به نقل گسترده این حدیث در منابع اهل سنت اکنون به ذکر نمونه‌هایی از همان منابع بسنده می‌کنیم. در صحیح مسلم آمده است که پیامبر ﷺ فرمود:

ای مردم! همانا من بشری هستم که نزدیک است پیک الهی مرا رسد و دعوت حق را اجابت گویم، پس در میان شما دو چیز گرانبها می‌گذارم: اول آنها کتاب خدا که در آن هدایت و نور است؛ پس به آن چنگ زنید و تمسک جویند... و دیگری اهل بیتم^۱.

۱. «ألا يا أيها الناس فإنما أنا بشر يوشك انهما يأتي رسول ربى فأجيب و انى تارك

در مسند احمد بن حنبل آمده است:

همانا من در میان شما دو جانشین قرار می‌دهم که یکی عظیم‌تر از دیگری است: کتاب خدا، ریسمان کشیده‌شده مابین آسمان و زمین، و عترت خود یعنی اهل بیتم. این دو از یکدیگر جدایی ناپذیرند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند^۱.

در سنن ترمذی از پیامبر ﷺ نقل شده است:

ای مردم! در میان شما چیزی می‌گذارم که اگر به آن تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد؛ آن دو عبارت‌اند از: کتاب خدا و عترتم^۲.

فيكم الثقلين أولهما كتاب الله فيه الهدى والنور فخذوا بكتاب الله واستمسكوا به... و اهل بيتي» (مسلم بن حجاج القشيري نيشابوري، صحيح مسلم، باب فضائل علي بن ابيطالب / احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۳۶۶ / عبدالله بن عبد الرحمن دارمي، سنن دارمي، ج ۲، ص ۴۳۱ / محمد بن حسين خطيب، سنن بيهقي، ج ۲، ص ۱۴۸ و ج ۷، ص ۱۳۰ / ابى جعفر الطحاوى، مشكل الآثار، ج ۴، ص ۲۶۸).

۱. «إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي، أحدهما أعظم من الآخر: كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض و عترتي اهل بيتي و لن يفترقا حتى يردا على الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما» (ابو عيسى محمد الترمذی، سنن الترمذی، ج ۱۳، ص ۱۳۰ / ابن اثير، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۱۲، در شرح حال امام حسن علیه‌السلام / عبد الرحمن جلال الدين سيوطی، الدر المنثور فى التفسیر بالمأثور، ذیل آیه مؤذت).

۲. ابو عيسى محمد الترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۲۱.

از سخنان پیامبر ﷺ می توان به نتایج ذیل دست یافت:

الف) گرانها بودن اهل بیت ﷺ

ابن حجر مکی می نویسد:

رسول خدا ﷺ قرآن و عترت را ثقلین نامید؛ «ثَقْل» هر چیز گرانها و پُراج را گویند و کتاب و عترت این گونه اند؛ زیرا هر یک از آن دو گنجینه علوم لدئی و اسرار و حکمت های الهی اند؛ از این رو پیامبر مردم را به پیروی از آن دو فراخوانده و سفارش نموده است.^۱

ب) عصمت اهل بیت ﷺ

قراردادن قرآن و اهل بیت در کنار یکدیگر و تأکید بر لزوم پیروی و انفکاک ناپذیری آن دو آشکارا بر عصمت اهل بیت ﷺ دلالت دارد؛ چرا که قرآن کتاب معصوم خداست و ابتلا به هر گناه و آلودگی انفکاک و جدایی از قرآن می باشد و هماهنگی و انطباق کامل با کتاب معصوم الهی مساوی با عصمت است.

استاد توفیق ابو علم نویسنده و دانشمند مصری می نویسد:

پیامبر اهل بیت خود را به کتاب عزیز خداوند مقرون ساخته است؛ کتابی که هرگز در او باطل نفوذ نخواهد کرد و هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد. واضح است که صدور هر نوع مخالفت با احکام دین، افتراق و جدایی از قرآن محسوب می گردد، در حالی که پیامبر ﷺ خبر از عدم جدایی این دو داده است؛ از همین رو حدیث دلالتی آشکار بر عصمت اهل بیت ﷺ دارد و پیامبر ﷺ که این حدیث را در مواضع بسیاری ذکر کرده، در پی این هدف است که امت خود را صیانت کرده و آنان را سفارش به استقامت بر تمسک به این دو نموده تا در امور مختلف اعم از اعتقادات و فروع به ضلالت و گمراهی گرفتار نشوند ...^۱

همچنین آیت الله مکارم شیرازی می نویسد:

اهل بیت ﷺ معصوم اند، زیرا جدایی پذیر بودن آنها از قرآن از یک سو و لزوم پیروی بی قید و شرط از آنان از سوی دیگر، دلیل روشنی بر معصوم بودن آنها از خطا و اشتباه و گناه است؛ چرا که اگر آنها گناه یا خطایی داشتند، از قرآن جدا می شدند و پیروی از

۱. ابن حجر عسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۹۰.

۱. ناصر مکارم شیرازی، زهرا ﷺ برترین بانوی جهان، ص ۷۵.

آنان مسلمانان را از ضلالت و گمراهی بیمه نمی‌کرد و اینکه می‌فرماید با پیروی از آنان در برابر گمراهی‌ها مصونیت دارید، دلیل روشنی بر عصمت آنهاست.^۱

ج) پابندگی تا قیامت

تعبیر به جدایی ناپذیری تا حوض کوثر نشانگر این است که پیامبر درصدد تعیین یک راهبرد جاودانه و دائمی برای امت بوده و نشانگر آن است که همواره هادیان و پیشوایانی از اهل بیت علیهم‌السلام در میان امت وجود دارند. ابن حجر آورده است:

این حدیث نشانگر وجود کسانی از اهل بیت همراه قرآن است که همچون قرآن، شایستگی تمسک و پیروی تا قیامت را دارا باشند.^۲

آیت الله مکارم شیرازی نیز می‌نویسند:

این به خوبی نشان می‌دهد که در تمام طول تاریخ اسلام، فردی از اهل بیت علیهم‌السلام وجود دارد و همان‌گونه که قرآن همیشه چراغ هدایت است، آنها

۱. همو، پیام قرآن، ج ۹، ص ۷۶، ۷۵.

۲. ابن حجر عسقلانی، الصواعق المحرقة، ص ۱۴۹.



نیز همیشه چراغ هدایت‌اند؛ پس باید کاوش کنیم و در هر عصر و زمان آنها را پیدا کنیم.^۱

د) لزوم پیروی از تقلید

اینکه پیامبر ﷺ فرمود: «تا به آن دو چنگ زنید، گمراه نخواهید شد» و برخی از دیگر تعابیر آن حضرت، لزوم پیروی از هر دو را نمایان ساخته و هر حرکت و شعاری که به گسست آن دو انجامد را انحرافی و ضلالت بار معرفی می‌کند. علامه مناوی می‌گوید:

در این حدیث اشاره، بلکه تصریح به این است که قرآن و عترت دوقلوبی را می‌مانند که رسول خدا ﷺ آن دو را پس از خود معرفی فرموده و از امت خواسته است که به خوبی با آن دو برخورد نموده و آنها را بر خود مقدم دارند و در دین خود به آنها چنگ زنند.^۲

نکات دیگری نیز از حدیث ثقلین قابل استفاده است که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.^۳ آنچه

اهمیت ویژه دارد این است که پیامبر برای همیشه امت را به پیروی از قرآن و عترت فراخوانده و هدایت و بازداري امت از انحراف را در گرو آن دانسته‌اند. نیز پیامبر ﷺ اهل بیت ﷺ را همچون کتاب الهی معصوم و مصون از هر کژی و ناراستی دانسته و بر آن شده‌اند که برای همیشه هادیانی از اهل بیت در کنار قرآن برای راهنمایی امت وجود دارند.

۳. کیستی اهل بیت و اولی الامر ﷺ

پیامبر ﷺ در مواقع مختلف اهل بیت ﷺ و امامان ایشان را معرفی کرده‌اند. عمر بن خطاب از پیامبر ﷺ پرسید: «آیا باید به همه اهل بیت تمسک کنیم؟» پیامبر ﷺ فرمود:

خیر! بلکه به اوصیای اهل بیت؛ اول آنها برادر و وزیر و وارث و خلیفه‌ام در میان امت و آن کسی که ولی هر مؤمنی است [امام علی ﷺ] پس از او فرزندم حسن، و بعد از او فرزندم حسین است، آنگاه نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری ...^۱

۱. ناصر مکارم شیرازی، زهره ﷺ برترین بانوی جهان، ص ۷۵.

۲. محمد عبدالرؤف المناوی، فیض القدر، ج ۲، ص ۱۷۴.

۳. برای آگاهی بیشتر، رک: علی اصغر رضوانی، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات،

۲، ص ۱۱۸۹۵.

۱. ابراهیم الجوینی، فرئند السمطین، ج ۱، ص ۳۱۷.

در بسیاری از مجامع روایی اهل سنت، روایاتی مشاهده می‌شود که پیامبر ﷺ بر جانشینی دوازده خلیفه تصریح کرده است که جز بر امامان دوازده گانه اهل بیت  قابل انطباق نیست.

برخی از این روایات عبارت‌اند از:

۱. کار مردم پیوسته می‌گذرد تا آنکه دوازده مرد بر آنان فرمان برانند.^۱
۲. شمار جانشینان من به تعداد نقبای موسی [دوازده نفر] است.^۲
۳. تا هنگامی که دوازده خلیفه و جانشین بر شما حکومت کنند، دین پیوسته پابرجاست.^۳
۴. کار این امت همواره پابرجاست تا دوازده خلیفه و جانشین بر آنان بگذرند که همگی از قریش‌اند.^۴

امام علی  در توضیح انحصار امامت در قریش می‌فرماید: «امامان از قریش، فقط از نسل هاشم‌اند و امامت بر غیر آنان شایسته نیست...»^۱.

۵. بر این امت دوازده خلیفه حکومت خواهند کرد، به عدد نقبای بنی اسرائیل.^۲

۶. امامان پس از من دوازده نفرند، که نفر ایشان از صلب حسین‌اند؛ نهمین‌شان مهدی است.^۳

همانند این روایات را که از اهل سنت در مورد تعداد ائمه  وارد شده است، می‌توان در دیگر منابع مطالعه کرد.^۴

۷. در روایت سفیان بن عیینه از پیامبر اکرم  نقل شده است: «همواره دین پایدار است تا آنکه قیامت به پا شود یا بر شما دوازده خلیفه حکم رانند که همه آنان

۱. نهج البلاغه، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲. همان.

۳. علی بن محمد الخزاز القمی الرازی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الأئنی عشر، ص ۲۳، به نقل از: موسوعة الإمام علی ابن ابیطالب، ج ۲، ص ۴۸.

۴. رک: سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ص ۲ و ۱۴۴ / الحافظ أبوالفداء اسماعیل بن کثیر الدمشقی، البدایة والنهایة، ج ۶، ص ۱۲۴۷ / ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۴، ص ۱۳۶۷ و ۱۴۰۸۵ / احمد بن حنبل، مسند، ج ۵، ص ۱۸۳ و ۱۶۴۵ / ابی داود سجستانی، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۱۰۷.

از بنی هاشم اند»^۱.

۹. امام الحرمین جوینی از ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که فرمود: «من سرور پیامبرانم و علی سرور اوصیا. اوصیای بعد از من دوازده نفرند؛ اولشان علی و آخرشان مهدی است»^۲.

۱۰. ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل کرده است که فرمود: «جانشینان و اوصیای من و حجت‌های خدا بر خلق پس از من دوازده نفرند؛ اولشان برادرم و آخرشان فرزند من است». پرسیده شد: برادران کیست؟ فرمود: علی ابن ابیطالب. پرسیده شد: فرزندان کیست؟ فرمود: «مهدی؛ همان کسی که زمین را پُر از عدل و داد کند؛ همان‌گونه که پُر از ظلم و جور شده است...»^۳.

براین اساس، با احادیثی که از پیامبر اکرم ﷺ در مورد تعداد ائمه وارد شده است و اهل سنت و شیعه آن را نقل کرده‌اند، حقانیت شیعه اثبات می‌شود. افزون بر آن، در مورد امامت ائمه دوازده‌گانه چه به صورت دسته جمعی و

چه به صورت فرد به فرد، روایات خاصی وارد شده، هر یک از امامان امام پس از خود را معرفی کرده است.^۱

۴. تشیع چیست؟

تشیع همان اسلام جامع و کامل است که در پیروی از ثقلین تبلور می‌یابد و از آن به «مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام)» نیز یاد می‌شود. در این مذهب به دلیل توصیه‌های مکرر پیامبر اسلام مبنی بر لزوم پیروی از ثقلین، پس از رحلت آن حضرت بر افضلیت، علمیت و عصمت اهل بیت (علیهم‌السلام) و لزوم تبعیت از قرآن، سنت پیامبر ﷺ و عترت پیامبر ﷺ تأکید می‌شود.

همچنین از نظر شیعه بر اساس توحید در حاکمیت و دلالت صریح آیه شریفه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۲ امامت امت پس از پیامبر بر عهده

۱. برای آگاهی بیشتر، رک: سیدمرتضی عسکری، امامان دوازده نفرند! لطف‌الله الصافی الکلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر.
۲. مانده: ۵۵؛ سرپرست و دوست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابیطالب] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوع‌اند [به تهنیت‌ستان] زکات می‌دهند.

۱. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ج ۲، باب ۷۷.

۲. ابراهیم الجوینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳. همان. روایات متعدد دیگری نیز در این باب وجود دارد، رک: سیدمرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۱، ص ۳۳۳.

امامان معصوم علیهم السلام است که همگی از اهل بیت پیامبرند و به وسیله نص به امت اسلامی معرفی شده‌اند؛ نخستین آنان حضرت علی علیه السلام و آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که به اعتقاد همه مسلمانان، منجی نهایی بشریت و عدالت‌گستر جهانی است.

در مقابل، اهل سنت و به تعبیر دیگر پیروان «مکتب خلفا»، هرگونه وابستگی امامت به نص و شرط بودن عصمت در آن را انکار کرده‌اند و امامت را امری زمینی و نامشروط به عصمت می‌دانند. در نظر این گروه، پس از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی دارای مقام عصمت و علم لدنی نیست. در عین حال، آنان سنت و سیره خلفای راشدین و عمل اصحاب را تا اندازه‌ای هم‌سنگ سیره پیامبر صلی الله علیه و آله می‌انگارند و پس از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله بر سنت خلفا تأکید می‌کنند؛ بنابراین تمایز اصلی شیعه از اهل سنت، عبارت از این است که شیعه بر «قرآن + سیره پیامبر + سیره اهل بیت علیهم السلام» تأکید می‌ورزد، ولی اهل سنت به جای اهل بیت علیهم السلام بر سیره خلفا و عمل اصحاب تکیه می‌کنند.

از آنچه گذشت، مطالب ذیل به دست می‌آید:

۱. قرآن مجید، اسلام راستین را در اطاعت بی چون و چرا از خداوند، تعالیم الهی پیامبر صلی الله علیه و آله و اولی الامر علیهم السلام می‌داند.

۲. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با بیان یک اصل راهبردی، یعنی اصل پیروی از ثقلین (قرآن و اهل بیت علیهم السلام)، آن را به مثابه راه همیشگی امت و طریق حق بیان کرده است.

۳. به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله مقصود ایشان از اهل بیت علیهم السلام که اوصیای آن حضرت‌اند، عبارت است از: امام علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، نه امام از نسل امام حسین علیه السلام یکی پس از دیگری که آخرین آنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

۴. تشیع همان اسلام اصیل است که بر پیروی از «قرآن + سیره پیامبر + سیره اهل بیت علیهم السلام» تأکید می‌ورزد. این روش از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله گرفته شده است. در مقابل، اهل سنت به جای اهل بیت علیهم السلام بر سیره خلفا و عمل اصحاب تکیه می‌کنند.

امتیازات تشیع



فصل دوم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
أَطِيعُوا اللَّهَ
وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

برای آشنایی با امتیازات نخست باید سنجه‌ها و معیارهای حقانیت را بازشناخته، سپس آنها را بر مکتب تشیع عرضه کرده، میزان انطباق و سازگاری آن دو را در بوته سنجش قرار داد. در این فصل برآنیم تا به یاری خداوند این مسئله را بررسی کنیم. در گفتار نخست، سنجه‌های حقانیت را واکاویده و در گفتارهای پسین به تطبیق آنها خواهیم پرداخت.

۱. سنجه‌های حقانیت مذهب

برای شناخت حقیقت و صراط مستقیم هدایت در میان فرقه‌های گوناگون، سنجه‌های خردپذیری وجود دارد و هرکسی موظف است با دقت و اخلاص و پیراسته از هرگونه تعصب و لجاجت در جست‌وجوی حقیقت برآید و براساس ادله روشن در برابر آن تسلیم و انقیاد ورزد. عمده‌ترین سنجه‌های حقانیت عبارت‌اند از:

۱. قوت استناد به منابع اولیه دینی؛ یعنی مذهبی معتبر

۲. اصالت در خاستگاه

تشیع اصیل‌ترین جریان همراه با ظهور اسلام، مدافع مسلمات دین حنیف، مولود طبیعی آن و مورد تأیید پیامبر اسلام ﷺ است. علامه طباطبایی می‌نویسد:

حقیقت این است که شیعه طایفه‌ای از مسلمین است که به واسطه مخالفت‌هایی که از اکثریت، نسبت به مسلمات کتاب و سنت مشاهده کرده، در مقام اعتراض و انتقاد برآمده و به ملازمت مسلمات کتاب و سنت برخاسته و دعوت کرده است...
غرض آنها از این انتقاد، دفاع از یک دسته نصوص مسلم بود که به موجب آنها ولایت عموم مسلمین به دست امیرالمؤمنین علی علیه السلام سپرده شده بود؛ نصوصی که به موجب آنها اهل بیت پیغمبر، پیشوایان دین و مرجع جمیع شئون علمی و عملی اسلام معرفی شده بودند و همین نصوص هم‌اکنون نیز به نحو تواتر در دست فریقین - اهل سنت و شیعه - موجود می‌باشد.^۱

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه (مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کربن با علامه سیدمحمدحسین طباطبایی)، صص ۱۷ و ۲۰.

است که به خوبی بتواند عقاید پایه خود را به قرآن مجید و سنت معتبر پیامبر استناد دهد و از طریق آنها به اثبات برساند.

۲. صیانت‌پذیری حداکثری؛ یعنی دارا بودن عوامل و سازوکارهایی که بیشترین توانایی را در جهت حفظ خلوص و سلامت دینی و بازداري از انحراف، به‌ویژه در خطوط اساسی دین فراهم آورد؛ از جمله این عوامل عبارت است از پیشوایان و راهنمایانی که در علم و عمل تجسم‌اعلای دین و جلوه حقایق آن باشند.

۳. انسجام درونی و عدم ابتلا به تناقض و تعارض درونی.

۴. عقلانیت، اعتدال، جامع‌نگری، دوری از تعصب‌ها و افراط و تفریط‌های دین‌سوز و خردستیز.

۵. استقبال از پرسش‌های بشر از دین و توان پاسخ‌گویی هرچه بهتر و بیشتر به مسائل پیچیده و غامض دینی و مذهبی.

در مباحث آینده روشن خواهد شد که در معیارهای پیش‌گفته، مکتب اهل بیت علیهم السلام از امتیازات بالایی برخوردار است.

شواهد و قرائینی که شیعه درباره خاستگاه خود به‌ویژه تأیید آن از سوی پیامبر و بنیانگذار آیین اسلام به دست داده، دارای چنان قوتی است که فی‌الجمله مورد قبول دیگران نیز قرار گرفته است.

نصوص تاریخی و روایی متعددی در توصیف گروهی به عنوان شیعه از سوی رسول اکرم ﷺ وارد شده است؛ از جمله سیوطی در الدر المنثور به نقل از جابرین عبدالله آورده است: «نزد پیامبر ﷺ بودیم که علی وارد شد، آنگاه پیامبر فرمود: قسم به او که جانم در دست اوست، او [علی] و شیعیانش رستگاران روز رستاخیزند...»^۱

ابوحاتم رازی معتقد است:

شیعه نام گروهی بود که در زمان رسول خدا ﷺ دوست و همراه صمیمی امیر مؤمنان علی بن ابیطالب رضی الله عنه بودند و به این نام شناخته

۱. عبدالرحمن جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۳۷۶؛ در تفسیر آیه ۶ و ۷ سوره بینه.

می‌شدند؛ مانند سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود، عمار یاسر و دیگران. رسول خدا درباره اینان که شیعه و یاران علی خوانده می‌شدند، فرمود: بهشت مشتاق چهار نفر است: سلمان، ابوذر، مقداد و عمار. از آن پس تا زمان ما به هرکس که معتقد به برتری علی باشد، شیعه اطلاق می‌شود.^۱

این دیدگاه مورد قبول برخی مستشرقان و عالمان اهل سنت نیز قرار گرفته است.^۲

۳. قوت استنادپذیری

از جمله امتیازات شیعه، درجه استنادپذیری آن به منابع اصیل اسلامی است. علمای شیعه در طول تاریخ در اثبات مبانی اعتقادی خویش به همه ادله معتبر همچون دلیل عقلی، قرآن مجید و سنت قطعیه تمسک جسته‌اند؛ برای مثال، در بحث امامت که اصلی‌ترین شاخص تشیع به حساب می‌آید، به ادله ذیل استناد کرده‌اند:

۱. ابوحاتم رازی، گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری، ص ۲۵۹.
۲. رک: احمد امین، ضحی الإسلام، ج ۳، ص ۱۲۰۹۲۰۸ محمدعلی کرد، خطب الشام، ج ۵، ص ۱۲۵۱ حیدر ابراهیم علی، التيارات الإسلامية، ص ۱۲۰۰ کامل مصطفی شبیبی، الصلة بين التصوف والتشيع، ج ۱، ص ۱۲۵۲۲ علی آقانوری، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعه در عصر امامان، ص ۱۲۰.

الف) دلایل قرآنی

برخی از دلایل قرآنی امامت و مرجعیت دینی-سیاسی اهل بیت علیهم السلام عبارت‌اند از: آیه ولایت،^۱ آیه تبلیغ و اکمال،^۲ آیه تطهیر،^۳ آیه اولی‌الأمر^۴ و نیز ده‌ها آیه دیگر که در شأن و فضیلت اهل بیت علیهم السلام یا در بیان جایگاه امامت و مبدأ مشروعیت آن نازل شده است؛^۵ از جمله این آیات، آیه «امامت»^۶ است که مبدأ آن را جعل الهی می‌داند و در میان فضایل از همه مهم‌تر آیه مباحله^۷ است که امیر مؤمنان علیه السلام را نفس نبی صلی الله علیه و آله و سلم خوانده است.

ب) دلایل روایی

چندی از دلایل روایی مورد استناد شیعه بر ولایت اهل بیت، به‌ویژه امام علی علیه السلام عبارت‌اند از: حدیث غدیر،^۸ احادیث

۱. مائده: ۵۵.

۲. مائده: ۳ و ۶۷.

۳. احزاب: ۳۳.

۴. نساء: ۵۹.

۵. برای آگاهی بیشتر، رک: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، پیام قرآن، ج ۹ و ۱۰.

۶. «إني جعلك للناس إماماً» (بقره: ۱۲۴).

۷. آل عمران: ۶۱.

۸. «کسی که من مولای اویم، پس علی مولای اوست» (احمدبن حنبل، مسند،

ج ۶، ص ۴۰، ح ۱۸۵۰۶).

دوازده خلیفه، حدیث ولایت،^۱ حدیث وصایت،^۲ حدیث منزلت،^۳ حدیث خلافت،^۴ حدیث ثقلین،^۵ حدیث سفینه،^۶ حدیث امان^۷ و ده‌ها حدیث دیگر در فضایل اهل بیت علیهم السلام که شایستگی انحصاری آنان در مرجعیت دینی و رهبری سیاسی را نشان می‌دهد.

برخی روایات پیش‌گفته از نخستین مراحل اعلام رسالت تا واپسین لحظات حیات، بارها توسط پیامبر مطرح و مورد تأکید قرار گرفته است.

این احادیث به صورت متواتر نقل شده و در صحاح،

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امام علی علیه السلام فرمود: «ای علی! تو سرپرست هر مؤمنی پس از من هستی» (سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۷۸).

۲. «هر پیامبری وصی و وارثی دارد و در حقیقت علی وارث و وصی من است» (ابوعیسی محمد الترمذی، سنن الترمذی، ج ۵، ص ۶۴، ح ۳۷۳).

۳. «ای علی! تو نسبت به من مانند هارون [برادر و جانشین موسی] نسبت به موسی هستی، جز اینکه پس از من پیامبری نیست» (همان).

۴. «علی وصی و جانشین من در میان شماست، پس به سخنانش گوش فرادهید و از او فرمان برید...» (حوادث سال سوم بعثت).

۵. پیش‌تر ضمن اصل راهبردی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توضیحات این مطلب گفته شد.

۶. «اهل بیت من مانند سفینه نوح‌اند، هر که بر آن سوار شد، نجات یافت و آنکه رهاپیش کرد، غرق شد» (سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، المعجم الأوسط، ج ۵، ص ۳۵۵).

۷. «... اهل بیت من امامان امت من هستند» (علاء‌الدین علی متقی هندی،

کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۲).

مسانید و سنن اهل سنت، فراوان یافت می‌شود. آنان هرگز نتوانسته‌اند در برابر دیدگاه شیعه توجیه خردپذیری از این‌گونه نصوص ارائه کنند.^۱

ج) دلایل عقلی

استدلال عقلی شیعه شامل چهار جهت می‌شود:

۱. استدلال‌های عقلی مربوط به ضرورت وجود امام؛
 ۲. استدلال‌های مربوط به شرایط امام؛
 ۳. استدلال‌های مربوط به مبدأ مشروعیت و چگونگی تعیین امام؛
 ۴. استدلال‌های مربوط به واکنش و پاسخ خداوند به نیازهای جامعه اسلامی همچون قاعده لطف.^۲
- آنچه در این باره گفتنی است اینکه هیچ یک از مذاهب اسلامی مانند تشیع، از قوت، کثرت و تنوع ادله و مستندات در اثبات عقاید اساسی و بنیادین خود بهره‌مند نیست. بررسی مقایسه‌ای ادله هر یک از مذاهب بر بنیادهای

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره، رک: محمدرضا کاشفی، امام‌شناسی (مجموعه پرسش‌های دانشجویی، دفتر چهارم).
۲. رک: سیدیحیی یثربی، فلسفه امامت / محمدرضا کاشفی، کلام شیعه / امامت‌پژوهی.

اعتقادی خود گواه روشنی بر این مطلب است.

۴. مصونیت‌پذیری حداکثری

از ویژگی‌های ممتاز تشیع، حداکثر مصونیت‌پذیری در برابر انحرافات و کژاندیشی‌ها در عرصه درک و فهم حقایق و آموزه‌های دینی است. این مهم تابع عواملی چند است؛ از جمله:

الف) بین معارف و مذهب فقهی شیعه و پیامبر ائصال وجود دارد؛ یعنی نخستین پیشوای فکری و فقهی شیعه علی بن ابیطالب علیه السلام است که نزدیک‌ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و در همه عمر تحت تربیت مستقیم ایشان قرار داشته است و بدون واسطه معارف را از پیامبر صلی الله علیه و آله دریافت و ارائه کرده است، ولی میان قدیمی‌ترین رهبر فرق چهارگانه اهل سنت و پیامبر صلی الله علیه و آله، فاصله ده‌ها ساله و واسطه‌های زیادی وجود دارد. این مسئله اعتبار معرفتی سخنان این رهبران و میزان مصونیت آن از اشتباه یا تحریف را در نسبت با منابع شیعه بسیار تضعیف می‌کند.

ب) استمرار نص و وجود رهبرانی معصوم که اقیانوس دانش و معارفشان بهترین مبین معارف دینی و زداینده غبار تحریف‌ها و ناراستی‌هاست.



استاد مطهری در این باره معتقد است:

شیعه از نعمت‌هایی برخوردار است که دیگر فرق اسلامی فاقد آن‌اند؛ از جمله آنها استمرار دوران عصمت است. عصمت برای اهل سنت منحصر به بیست و سه سال و برای شیعه ۲۷۳ سال است.^۱

یعنی برای آنها دوران عصمت فقط زمان پیامبر ﷺ است، ولی شیعه افزون بر آن، ۲۵۰ سال یعنی تا وفات امام عسکری علیه السلام امام معصوم ظاهر دارد که سیره‌اش حجت است. در این مدت تغییرات بسیاری در اوضاع زمانه پدید آمد و اوضاع رنگ و روی بسیار متفاوتی یافت. وجود امام معصوم علیه السلام در این دوران مشکل اقتضای زمان را به خوبی حل می‌کرد و آنچه جامعه نمی‌توانست با مراجعه به سیره پیامبر پاسخش را دریابد، با وجود امام معصوم به راحتی حل می‌شد. معارف قرآن به زیباترین شکل و عمیق‌ترین وجه بیان می‌گردید و گنجینه معارف بدون ابتلا به التباسات، کزی‌ها و انحرافات سهوی و عمدی گشوده می‌شد.^۲

۱. در اینجا مقصود از دوران عصمت، دوران ظهور امام معصوم است، ولی اصل وجود امام معصوم در شیعه همیشگی است و پایانی ندارد.
۲. رک: مجموعه آثار، ج ۲۱، ص ۱۵۱۱۵.

در مقابل، دیگر فرق اسلامی نه تنها به اندازه کافی از فیض وجود امامان بهره نجستند، بلکه منع شدن احادیث نبوی توسط خلفا مدت‌های زیادی آنان را از معارف ارزشمند نبوی نیز محروم ساخت و در چنین خلأ بزرگی، راه برای ورود اسرائیلیات و احادیث جعلی و خرافی گشوده شد و چنان ضربه‌ای بر پیکر معارف ناب اسلامی وارد آمد که آثار آن همچنان باقی است و از میان بردن آن کاری بس دشوار و چه بسا ناشدنی است.

۵. انسجام درونی

تلائم و انسجام درونی در آموزه‌های بنیادین شیعه بسیار مهم است؛ چنان‌که پیش‌تر گفته شد، تشیع بر پیروی از «قرآن + سیره پیامبر + سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)» تأکید می‌ورزد. این روش به دلیل عصمت و هماهنگی کامل هر سه منبع یادشده، مانع پیدایش ناهماهنگی و تعارض می‌شود. در مقابل اهل سنت به جای اهل بیت (علیهم‌السلام) بر سیره خلفا و عمل اصحاب تکیه می‌کنند و همین مسئله تعارض‌های فراوانی را سبب شده است و انسجام درونی این مکتب را آسیب‌مند می‌سازد. این امر از آن روست که خلفا و اصحاب از عصمت برخوردار نبوده و فهم و رفتار دینی آنان در موارد

متعددی مغایر با آموزه‌های قرآن و سنت می‌شود. افزون بر آن، در فهم و عمل دینی خود اصحاب نیز تعارض‌ها و تناقض‌های فراوانی دیده می‌شود و پذیرش یکی برابر با نفی دیگری است. این مسئله تسنن را دچار مشکل بزرگی ساخته است و تاکنون روش استوار و قابل وفاقی برای حل این تعارضات به دست نیامده است.

۶. عقلانیت

از جمله امتیازات برجسته تشیع، عقلانیت بالای آن است. عقلانیت شیعه، در هیچ یک از مذاهب اسلامی و نیز در دیگر ادیان ماندنی ندارد.

در مکتب تشیع بر اساس روایات رسیده از معصومان (علیهم‌السلام) عقل و خرد، حجت و پیامبر باطنی است و پیامبر حجت بیرونی؛ از این رو شیعه بنیادی‌ترین مسائل اعتقادی خویش را بر پایه عقل و براهین قطعی عقلی استوار می‌سازد و آن را یکی از ادله چهارگانه در استنباط فقهی قرار داده است.

عقلانیت شیعه ویژگی‌هایی دارد که ممیز اساسی آن با دیگر فرق اسلامی است؛ از جمله اینکه عقل فلسفی عمدتاً در میان شیعه رشد کرد و فیلسوفان بزرگ اسلامی نوعاً شیعه بوده‌اند.^۱

احمد امین مصری، فارابی را شیعه می‌داند، تنها از این جهت که گرایش‌های فلسفی و عقلانی وی فقط و فقط در بستر تشیع می‌تواند شکل گرفته باشد.^۲

در اهل سنت اگرچه معتزله گرایش عقلی داشتند، آنها گروه اندکی بودند که دیری نپاییدند و از جهان تسنن رخت بریستند؛ زیرا فاقد سرمایه‌ها و پشتوانه‌های لازم برای بقا و دوام خود بوده، در جهان تسنن تحمل پذیر نبوده است. این مسئله ناشی از عوامل گوناگونی است؛ از جمله احتمالاً برخی افراطی‌گری‌های خردشعارانه معتزلیان؛ همچنین فقدان مباحث و بنیادهای عقل‌گرایانه در منابع حدیثی جهان تسنن و قرار گرفتن جریان عقل‌گرا در برابر نص و حدیث‌گرایی. در جهان تشیع، این مسئله به طور بنیادی حل شده است؛ یعنی نه تنها امامان معصوم علیهم‌السلام بر جایگاه

۱. مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران.

۲. حمیدرضا شریعتمداری، عقلانیت اسلامی، فصلنامه هفت آسمان، ش ۲۰، ص ۸.

عقل و خرد تأکید فراوان می‌کردند، بلکه احادیث شیعه بر خلاف احادیث اهل سنت، مشتمل بر احادیثی است که منطقی‌مسائل عمیق ماوراءالطبیعی، اجتماعی و... را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

استاد مطهری بر آن است که در احادیث اهل سنت تجزیه و تحلیلی درباره این موضوعات صورت نگرفته است؛ مثلاً اگر سخن از قضا و قدر، اسما و صفات باری، روح، انسان، عالم پس از مرگ، صراط، میزان، امامت، خلافت و... به میان آمده، هیچ‌گونه بحث و توضیحی درباره آنها ارائه نشده است؛ ولی در احادیث شیعه همه این مسائل طرح شده، درباره آنها استدلال شده است. مقایسه‌ای میان ابواب حدیث کتاب کافی و ابواب حدیث صحاح سته به خوبی این مطلب را روشن می‌سازد. تفکر شیعی از آغاز استدلالی و تعقلی بوده و فقط تشیع توانسته است حیات فلسفی اسلام را حفظ کند. شیعه این حیات عقلی را بیش و پیش از همه وامدار امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌داند که نخستین بار ژرف‌ترین بحث‌های عقلی در حوزه معارف اسلامی در خطبه‌ها و مذاکرات و دعوات آن حضرت مطرح

شده و توسط دیگر امامان بسط و توسعه یافته است.^۱

۷. پرسش پذیری و پاسخ‌گویی

کثرت نصوص عقلی و استدلالی در منابع شیعه زمینه مساعدی برای استقبال از پرسش‌های بنیادین فلسفی و دینی انسان و توانمندی بسیار بالایی در جهت پاسخ به آنها پدید آورده است، در حالی که پاسخ و شعار بزرگان اهل سنت در برابر ساده‌ترین پرسش‌های خداشناختی این بود که سؤال بدعت است.^۲

پروفسور لگنهاوزن بر همین مسئله انگشت نهاده است و راز اسلام آوردن و تشیع خود را استقبال بی‌نظیر این آیین از پرسش‌های انسان می‌داند.

ایشان می‌گویند:

وقتی از کشیش‌ها می‌پرسیدم که من نمی‌فهمم چه طور خدا یکی است و سه شخص است؟ در اکثر موارد جواب می‌گفتند که ما نمی‌توانیم به درک این آموزه برسیم. تنها خدا می‌داند که حقیقت این امر چیست. این رمزی است که فقط خدا آن را می‌داند و عقل در اینجا به بن‌بست می‌رسد! از جمله چیزهایی که برای بنده خیلی جالب بود، این بود که در اسلام نگفته‌اند اصول دین را چشم و گوش بسته بپذیر، بلکه دعوت کرده‌اند که بپرس؛ مخصوصاً این خصلت در میان شیعیان خیلی بیشتر است.^۱ و^۲

۱. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۵۹۱ حمیدرضا شاکرین، حکمت احکام (مجموعه چلچراغ حکمت).

۲. ر.ک: سیدمحمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، ص ۱۷ (مقدمه).

۱. ر.ک: ماهنامه پرسمان، پیش‌شماره اول، ص ۵.

۲. امتیازات دیگری نیز در مورد تشیع قابل طرح است؛ مانند جامعیت و اجتهاد (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: حمیدرضا شاکرین، چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟).

۵. آموزه‌های بنیادین شیعه به دلیل عصمت و هماهنگی کامل «قرآن + سیره پیامبر + سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)» از تلائم و انسجام کامل برخوردار است.

۶. از امتیازات برجسته تشیع، عقلانیت بالای آن است. این سطح از عقلانیت در هیچ یک از مذاهب اسلامی و ادیان دیگر، وجود ندارد.

۷. استقبال تشیع از پرسش‌های بنیادین دینی و توانمندی بالای آن در پاسخ‌گویی خردپذیر به اندازه‌ای است که پروفیسور لگنهاوزن راز اسلام آوردن و تشیع خود را همین مسئله می‌داند.

از آنچه در این فصل گذشت، نکات زیر به دست می‌آید:

۱. عمده‌ترین سنجه‌های حقانیت عبارت‌اند از: «قوت استناد به منابع اولیه دینی»، «صیانت‌پذیری حداکثری»، «عدم ابتلا به تناقض و تعارض درونی»، «عقلانیت» و «استقبال از پرسش‌های بشر از دین و توان پاسخ‌گویی به مسائل پیچیده دینی».

۲. تشیع که داعیه دار پیروی از ثقلین است، اصیل‌ترین جریان در متن ظهور اسلام و مورد تأیید پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشد.

۳. تشیع از بالاترین درجه استنادپذیری به منابع اسلامی برخوردار است و علمای شیعه در طول تاریخ در اثبات مبانی اعتقادی خویش به همه ادله معتبر همچون دلیل عقلی، قرآن مجید و سنت قطعی، تمسک جسته‌اند.

۴. تشیع به برکت پیروی از ثقلین، بیشترین مصونیت‌پذیری را در برابر انحرافات و کژاندیشی‌ها در عرصه درک و فهم حقایق دینی دارد.

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه.

۱. ابراهیم الجوینی، فرائد السمطین، مؤسسه محمودی للطابعیه.

۲. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابه، مصر: دار الشعب.

۳. ابن حجر عسقلانی، الصواعق المحرقة، طبع مکتبه القاہرہ.

۴. ابوالحسن علی بن عبدالواحد ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

۵. ابوحاتم رازی، گرایش‌ها و مذاهب اسلامی در سه قرن نخست هجری، ترجمه علی آقانوری.

۶. ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح بخاری، بیروت: دارالمعرفه.

۷. ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۸. ابو عیسیٰ محمد الترمذی، سنن الترمذی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۹. ابی جعفر الطحاوی، مشکل الآثار، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۰. ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی (محمد بن ابراهیم کلینی)،

أصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۵۳۱ هـ.

۱۱. ابی داود سجستانی، سنن أبی داود، بیروت: دارالفکر.

۱۲. احمد امین، ضحی الإسلام، ج ۳، مصر: مطبعة الإعتدال، ۳۵۳۱ ق.

۱۳. احمد بن حنبل، مسند، بیروت: دار صادر.

۱۴. پرسمان (ماهنامه)، پیش شماره اول، خرداد ۸۳۱ هـ.

۱۵. ابن کثیر الدمشقی، البدایة والنهابة، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، ۸۰۴۱ ق.

۱۶. حمیدرضا شاکرین، چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟، قم: نشر معارف، ۷۸۳۱ هـ.

۱۷. حمیدرضا شاکرین، حکمت احکام (مجموعه چلچراغ حکمت)، تهران: کانون اندیشه جوان، ۹۸۳۱ هـ.

۱۸. حمیدرضا شریعتمداری، عقلانیت اسلامی، هفت آسمان (فصلنامه)، ش ۵۲، سال پنجم، زمستان ۲۸۳۱ هـ.

۱۹. حیدر ابراهیم علی، التیارات الإسلامیه، بیروت: دراسة الوحدة العربیة.

۲۰. سلیمان بن ابراهیم قندوزی، ینابیع المودة، ج ۲، قم: شریف رضی، ۵۷۳۱ هـ.

۲۱. سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، المعجم الأوسط،

تحقیق ابراهیم الحسینی، دارالحرمین.

۲۲. سلیمان بن احمد بن ایوب اللخمی الطبرانی، المعجم الكبير، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۳. سید محمد حسین طباطبایی و مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج ۵، قم: صدرا.

۲۴. سید محمد حسین طباطبایی، شیعه (مذاکرات و مکاتبات پروفیسور هانری کرین با علامه سید محمد حسین طباطبایی)، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۲۸۳۱.

۲۵. سید مرتضی عسکری، امامان دوازده نفرند، تهران: مشعر.

۲۶. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، تهران: بنیاد بعثت، ۲۱۴۱ق.

۲۷. سیدیحیی بیثربی، فلسفه امامت، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۳۸۳۱.

۲۸. عبدالرحمن جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۱۱۴۱ق.

۲۹. عبدالله بن عبدالرحمن دارمی، سنن دارمی، دمشق: حزیزان.

۳۰. علاء الدین علی متقی هندی، کنز العمال، تحقیق شیخ بکری حیائی، بیروت: مؤسسة الرساله، ۵۰۴۱ق.

۳۱. علی اصغر رضوانی، شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، قم: مرکز

انتشارات مسجد جمکران.

۳۲. علی آقانوری، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعه در عصر امامان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ج ۱، ۵۸۳۱.

۳۳. علی بن حسام الدین المتقی، منتخب کنز العمال، دارالعلم.

۳۴. علی بن محمد الخزاز قمی الرازی، کفایة الأثر فی النص علی الائمة الأثنی عشر، تحقیق عبداللطیف الحسینی، قم: بیدار، ۱۰۴۱ق.

۳۵. کامل مصطفی شیبی، الصلة بین التصوف والتشیع، مصر: دارالمعارف.

۳۶. لطف الله الصافی الکلپایگانی، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، قم: مؤسسه السیدة المعصومة، ج ۲، ۱۲۴۱ق.

۳۷. محمد عبدالرؤف المناوی، فیض القدير، شرح الجامع الصغیر، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۳۸. محمد بن احمد الأنصاری، تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، تحقیق احمد عبدالعلیم ابردونی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۹. محمد بن حسین خطیب، سنن بیهقی، تهران: نشر مرکز.

۴۰. محمدرضا کاشفی، امام شناسی (مجموعه پرسش های دانشجویی، دفتر چهارم)، قم: نشر معارف، ۶۸۳۱.

۴۱. محمدرضا کاشفی، کلام شیعه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی، چ ۱، ۶۸۳۱.

۴۲. محمدصفر جبرئیلی، تشیع، مجموعه چلچراغ حکمت، تهران:
کانون اندیشه جوان، ۹۸۳۱.

۴۳. محمدعلی کرد، *خطط الشام*، بیروت: دارالنفائس.

۴۴. مرتضی مطهری، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: صدرا.

۴۵. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۳ و ۱۲، تهران: صدرا، ۷۷۳۱.

۴۶. مسلم بن حجاج القشیری نیشابوری، *صحیح مسلم*، بیروت:
دارالکتب العربی.

۴۷. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب
الإسلامیه، چ ۴، ۷۷۳۱.

۴۸. ناصر مکارم شیرازی، *زهرا ع برترین بانوی جهان*، قم: سرور،
۰۸۳۱.